متوضی است نزد شافعی لا
باز برگشت بر مسلمانان
در هدایه و در دلایل سفت
نقل از شرح زاهد آورد
با وی از بهر خواندن قرآن
بخلاف تیمم آن مرد
عامهٔ عالمان شرح شناخت
هست جایز با و کنند ادا
ای خلافات شافعی لعقل
گفت بر قول عامهٔ علما
بنده که خدای عز و جل
بلکه در جملهٔ عبادت ها
گر چه باشد بنزد تو دشوار
گر تیمم یکی بجا آورد
نزد هر سه امام نیز جواز
او بود ناقض تیمم نیز
در نماز است یا برون زکست
نفع صدر الشریعه شد مرد
آب معدوم گشت از آن کس
نرسیده به نشست او شد آب
کس تیمم بکرد با اید و

مسلم با تیمم از آن [illegible]
نشود آن تیمش فانه
بو المکارم بزرگ پاکی یقین
کس تیمم بمس مصحف کرد
هست جایز با آن تیمم باز
از برای جنازه خواند گرد
قول آن شافعی تیمش به نماز
بنحو قتی خود و الا لا
لیک این نقل را صاحب [illegible]
زان تیمم و الفریضت روا
هر نمازی تیممی ارسه
بوده باشد باتفاق ادا
چونکه باشد کرامت مردم
لیک تعلیم غیر اراده کرد

در بیان ناقضات تیمم

نیز آب بود بیا کس
اینکه قادر بآب گشت بگشت
قدر آب پاکی شخصی [illegible]
گشت ناقض تیمم آن کس
حدثا موجب وضوش هم
یعنی از بهر لمعهٔ حدث او

گشت کافر نبود با رحمی
بخلاف زفر که فاذ گفت
کرده در شرح مختصر تعیین
باز بهر دخول مسجد آن
بگذارد بنحو وقت نماز
یا که با سجدهٔ تلاوت شناخت
یا بجز نماز باشد باز
هست جایز فرض الفضل ازین [illegible]
در خلاصه نوشت از این باب
گر تو سازی باتفاق عمل
تا نماند ز نشر آثاری
مده از دست خویشتن زنهار
نزد واجب تنال الفضل
تا نگردد اراده بجواز
گر بود ناقض وضو هر چیز
میرسد نیز قدرت آن کس
شرح یا زده و وقایه تعیین کرد
کرد اهمال او وضو بشناخت
جنبی غسل کرد در این باب
گشت واقع چو برتنش اندام
بود ازان آب یافتی ان لمعه

میکند

میکند لمعهٔ حدث را پس
گر کفایه نکرد با یکی او
در حق دیگرش بود با [illegible]
لمعهٔ خویش را بشست آن کس
هست در ذخیره قول از علما
نرسد گر به لمعه آب او
گر چه نرسد به هیچ یک آب
داشت جمعی [illegible] جنابت
بکنند از برای نماز وضو
گر شخصی با وضو الکمال
قبض کردند آب را آنجا
هست بخشیده مشاع تمام
میرسد نیست الکفا باری
یعنی در نزد آن امام بخت
گر کدام آب با یکی بخشند
باد رحمت بگور صاحب آن
گر آب را بدید و راه جان
نیست بر وی وضو کنند ازو
گر به نوعی جماع ساخته اند
گر آنکه کمتر باشد آب
نیز تیمم کند ز بهر قیام

گشت ناقض تیمم این یک
گفت با قیمت در حق هر دو
گر رسد آب با یکی زیندو
از برای حدث ز غسل آن کس
آب اگر حدث بکرد دو حرف
میرسد با وضوش باد وضو
میکند صرف لمعه تفصیل
شخصی او از داد برای آب
آب اگر چه کند بیک کس پس
باد اعادهٔ تیمم قول آن
نیست ناقض تیمم آن جنب
هست جایز بمذهب او و
نزد نعمان امام فرخنده
نیست بخشیدن مشاع درست
نزد دو ان کنند تیمم آن
در فتاوی خویش کرد بیان
یا بمانند او ز بیغمی
بهر شرب است نه برای وضو
غیر جایز بود کنند اگر
استدلال است با وضوش را
گفت قاضی ابو علی نسفی

در حق لمعهٔ حدث بیشک
ور بود آب با یکی کافی
آبرا صرف لمعه سازد او
فیعید التیمم ام لا
در حق لمعه نقض شد بی حرف
این نماند ستیز از این باب
تا که گردد خطاش تقلیل
هر کدام شما بخواهید او
گشت ناقض تیمم همه کس
هر شما گفت آب را اما
لیک فرق است اندرین که [illegible]
لیک با هر کدام مقدار آب
هست یا نی ملک بخشنده
نیز از ان موضع شفقت عند
نیست ناقض بمذهب نعمان
چون جنابت گذشت در صحرا
هست باقی تیمش یعنی
گفت آنها که حق شناخته اند
صرف آن خبر ابو عمر گر
لیس در صبح کند وضوش [illegible]
زین فضل آن امام جار طرف

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)